

اشاره- غروب روز انفجار برج‌های تجارت جهانی در نیویورک، یکی از سخت‌ترین ساعات تصمیم‌گیری راه‌توده برای تحلیل این حادثه و صدور بیانیه‌ای در این ارتباط بود. بی‌شک همه احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران و جهان تفسیر خود را پیرامون این حادثه منتشر می‌کردند و هیات سردبیری و سیاستگذاری راه‌توده نیز با همین انگیزه رایزنی خود را با اعضای این هیات در کشورهای مختلف سازمان داد. آنچه را در زیر می‌خوانید اطلاعیه‌ای است که در پایان این رایزنی و در پایان روز 11 سپتامبر تنظیم و منتشر شد. این موضع‌گیری واکنش‌های مختلفی را در پی داشت، که همه آنها تأییدآمیز نبود. نه تنها تأییدآمیز نبود، بلکه اساساً با چنین برداشتی مخالفت داشت و حتی از ما سند و مدرک چنین برداشتی از حادثه را طلب کردند! سیر حوادث نشان داد که آن مشی و نگرش توده‌ای که به هیات سردبیری و سیاستگذاری راه‌توده جسارت تنظیم بیانیه زیر را داد به خطا نرفت و به بیانیه‌ای تاریخی تبدیل شد.

راه‌توده

دوره دوم

11 سپتامبر 2001

اطلاعیه

آنچه در نیویورک و واشنگتن گذشت "رایشتاک" قرن 21 است!

خطر حمله نظامی امریکا جدی است!

سازماندهندگان واقعی بزرگترین حادثه تروریستی در امریکا را، در حاکمیت متجاوز امریکا باید جستجو کرد!
عمق جنایت و ابعاد تلفات حادثه نیویورک و واشنگتن نشان می‌دهد که دولت نیمه نظامی امریکا، تدارک خونین‌ترین ماجراجویی‌های نظامی را در اطراف ایران و حتی خود ایران دیده‌است.

بامداد سه‌شنبه 11 سپتامبر 2001 در امریکا، برابر با غروب سه‌شنبه 21 شهریور 1380 بزرگترین و مهیب‌ترین عملیات تروریستی در شهرهای نیویورک و واشنگتن هزاران کشته و مجروح بر جای گذاشت!
شبکه‌های عظیم تلویزیونی جهان، که مرکز رهبری و هدایت آنها در امریکا و انگلستان است، حیرت‌آورترین فیلم‌های مربوط به اصابت هواپیماهایی که گفته می‌شود ریزه شده‌اند (!) با ساختمان‌های عظیم مرکز تجارت و وزارت دفاع امریکا در نیویورک را پخش کردند. تمام خبرگزاری‌ها و ایستگاه‌های رادیویی جهان نیز، در پی آن گزارش‌های گوناگونی را پیرامون این رویداد پخش کردند. در نخستین واکنش‌ها، چند سناتور امریکائی انگشت اشاره را به طرف ایران گرفتند و سپس موج تبلیغات پیرامون دست داشتن طلبه‌ای دست‌آموز سازمان‌های جاسوسی انگلستان و امریکا بنام "اسامه بن لادن" در افغانستان، به اتهام دست داشتن در این عملیات شروع شد. طلبه‌ای مامور، در گوشه از کشور ویران شده‌ای که حتی خطوط تلفنی منظمی هم ندارد! چه رسد به توانی در حد حمله نظامی به وزارت دفاع امریکا!
به این ترتیب، در اندک فاصله‌ای، جهان با حادثه‌ای روبرو شد، که نخستین جمع‌بندی آن از زبان "جورج بوش"، رئیس‌جمهور امریکا خطاب به مردم این کشور چنین بود: «**مردم امریکا!** به ما حمله تروریستی شده‌است. من به ارتش امریکا در سراسر جهان اعلام آمادگی کرده‌ام و به مردم امریکا قول می‌دهم که انتقام این عملیات را خواهم گرفت!»

این حادثه و سخنان رئیس‌جمهور امریکا را باید تکرار "رایشتاک" (به آتش کشیدن پارلمان آلمان و ظهور فاشیسم هیتلری در این کشور) و سخنرانی تاریخی هیتلر به همین مناسبت، در آغاز قرن 21 تلقی کرد؟ **آینده‌ای نه چندان دور** پاسخ این سؤال را در برابر دیدگان حیرت‌زده مردم جهان قرار خواهد داد.

هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند از این رویداد نتیجه‌ای جز این بگیرد، که رویداد امروز، 11 سپتامبر در نیویورک، سرآغاز فصل جدیدی در تاریخ تجاوزات نظامی ایالات متحده در سراسر جهان و در درجه نخست منطقه خاورمیانه و خلیج فارس خواهد شد! سازماندهنده این رویداد را نیز باید در خود سازمان‌های اطلاعاتی، گروه‌های مافیائی-صهیونیستی آمریکا جستجو کرد. کسانی که با مردم کشور خود چنین کردند و می‌کنند، برای مردم جهان خواب‌هایی هولناک‌تر دیده‌اند. همانگونه که هیتلر رایش‌تاک کشور خویش را به آتش کشید تا حمله نظامی به کشورهای اروپائی را تدارک ببیند! ضمن محکوم کردن هر نوع عمل تروریستی در سراسر جهان و از جمله حادثه نیویورک، ابراز همدردی با قربانیان این رویداد تروریستی در آمریکا، زمانی کامل و واقع بینانه‌است، که واقیعت مربوط به انگیزه‌های این رویداد و آینده‌ای که بر مبنای آن می‌خواهند برای جهان رقم بزنند نیز با صراحت گفته شود.

بحران اقتصادی رو به تشدید آمریکا، رقابت‌های انکار ناپذیر بین اروپا و آمریکا و خوی تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، می‌رود تا از دل رویداد 11 سپتامبر نیویورک و واشنگتن جنایات و تجاوزات نظامی بزرگی را بیرون آورد!

بدنبال سخنان "جورج بوش" رئیس جمهور آمریکا، خبرگزاری‌ها و حتی برخی مقامات آمریکا از کشورهای ایران، عراق، لیبی، فلسطین و افغانستان بعنوان کشورهای حامی تروریسم نام برده‌اند. ماجراجویی‌های نظامی جدید آمریکا، که مقدمات آن سرعت و از هر نظر فراهم می‌شود، در حقیقت امر و در راس همه کشورهای نام برده شده در بالا "ایران" را هدف گرفته‌است؛ حتی اگر بخشی و یا تمامی خاک افغانستان هم به بهانه مقابله با حکومت طالبان به اتهام دست داشتن در رویداد اخیر نیویورک و واشنگتن اشغال شود، هدف نهائی از این اشغال نظامی، در نهایت امر "ایران" است، که در این صورت از سه طرف در محاصره نظامی آمریکا قرار خواهد گرفت. از سوی نیروهای آمریکا و ناتو در شمال عراق، توسط نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس و سپس از طریق افغانستان و این در حالی است که هیچ نوع امنیت نظامی را از طریق مرزهای پاکستان و ترکیه- حتی جمهوری آذربایجان- نباید انتظار داشت!

آنچه که بتدریج چشم‌ها به روی آن باز می‌شود، همان است که در حاشیه کنفرانس سران 7 کشور بزرگ صنعتی در سوئد از سوی آمریکا به آن اشاره شد و در کنفرانس همین کشورها در ایتالیا نیز تکرار شد. (مراجعه کنید به سرمقاله راه‌توده شماره 109)

زمینه‌های چنین خیزهای بلندی از سوی آمریکا علیه تمامیت ارضی ایران را دست‌های نه چندان پنهان کسانی در داخل کشور ما فراهم ساخته و می‌سازند، که در تمام سال‌های اخیر، بیشترین تلاش را برای بی‌اعتبار کردن آراء مردم، بی‌اعتنائی به خواست عمومی مردم ایران برای تحولات، مقابله با میلیون‌ها جوان کشور، ناامید ساختن مردم از امکان تحولات از درون و حاشیه حاکمیت و تقویت امید به خارج از کشور در میان اقشاری از مردم تقویت کردند! ستون پنجم دشمن را، نه در صفوف مردم، نه در صفوف ملی- مذهبی‌ها، نه در صفوف چند ده روزنامه نگار، نه در مجلس ششم، نه در میان یاران و همکاران نزدیک محمدخاتمی، بلکه در صفوف آن دسته از "خودی"ها باید جستجو کرد، که یگانه مشروعیت دولت، یعنی آراء مردم را در این سال‌ها به هیچ گرفتند و با ادامه ماجراجویی‌های گذشته، زمینه‌های دخالت نظامی در امور داخلی کشور را گام به گام فراهم ساختند.

سناریویی که آمریکا از صبح 11 سپتامبر اجرای آن را شروع کرد، می‌رود تا با استفاده از تجربه یوگسلاوی، ابتدا در بخشی از یک منطقه و به بهانه مقابله با تروریسم جهانی نیروی نظامی مستقر سازد و سپس طرح تبدیل ایران به موزائیک‌های کوچک را به اجرا گذارد.

یگانه راه خنثی سازی این توطئه عظیم، نه اتکاء به نیروهای نظامی و تجهیزات نظامی، بلکه به جلب حمایت ملی است و این نیز ممکن نیست، مگر با کوتاه سازی قاطع دست آنهایی که در تمام سال‌های اخیر کوشیده‌اند مردم ایران را از صحنه سیاسی کشور خارج ساخته و قدرت مافیائی خود را، حتی به قیمت تحمیل جنگ داخلی و یا تجزیه خاک ایران حفظ کنند!

شورای سردبیری و سیاستگذاری راه توده

21 شهریور 1380

11 سپتامبر 2001